یادداشت

دستکاری نظام آموزش‌وپرورش با طرح خام بومی‌گزینی

ادامه از صفحه اول

در نتیجه، استناد به این اصل برای حذف زبان فارسی از نظام آموزشی، تفسیری نادرست از قانون اساسی است.

۳- در این میان، شیطنت‌های دشمنانه جمهوری باکو را نیز نباید نادیده گرفت. حمایت رسانه‌ای و سیاسی این کشور از جریان‌های واگرای قومی و تلاش برای جایگزینی آموزش زبان محلی به جای زبان ملی فارسی در آذربایجان تاریخی ایران، به مرکزیت تبریز، موضوعی قابل تأمل است. ازاین‌رو، هر سیاستی که به تضعیف آموزش زبان فارسی در مناطق غیرفارسی‌زبان بینجامد، می‌تواند همبستگی ملی را آسیب‌پذیر کرده و فرصت سوءاستفاده را برای همسایگانی فراهم سازد که در برخی منابع آموزشی خود ادعاهای ارضی علیه ایران مطرح می‌کنند.

۴- تضعیف زبان فارسی، در نهایت می‌تواند به تضعیف وحدت ملی و همدلی میان ایرانیان منجر شود. هنگامی که به معلمان استان‌های مرزی اجازه داده شود بر اساس «تشخیص شخصی» و «نیازهای محلی» برنامه آموزشی طراحی کنند، بدون آنکه چارچوب و استاندارد ملی روشنی وجود داشته باشد، خطر شکل‌گیری آموزش‌های قوم‌محور و ورود محتوای ناسازگار با هویت ملی با دخالت همسایگان بدخواه افزایش می‌یابد. نتیجه چنین روندی می‌تواند جایگزینی تدریجی علایق قومی و محلی به جای تعلق خاطر مشترک ایرانی باشد.

۵- تکرار ایده تمرکززدایی از سوی برخی مقامات آموزش‌وپرورش، به‌ویژه هنگامی که با تغییر نظام آموزشی از کتاب‌محوری به برنامه‌محوری همراه می‌شود، نیازمند بررسی دقیق است. اگر کتاب‌های مشترک و ملی درسی جای خود را به برنامه‌هایی بدهند که معلمان بدون چارچوب استاندارد و نظارت ملی طراحی می‌کنند، انسجام محتوایی و زبانی نظام آموزشی کشور در معرض آسیب قرار خواهد گرفت. این طرح، در صورت اجرای نادرست، می‌تواند زمینه تضعیف نظام یکپارچه و استاندارد آموزش‌وپرورش ایران را فراهم کند. پیونددادن تغییر زبان آموزشی با تغییر محتوای درسی، به‌ویژه در مناطق مرزی، حساسیت بیشتری دارد؛ زیرا ممکن است دانش‌آموزان به‌جای آشنایی متوازن با تاریخ، فرهنگ و هویت ملی ایران، صرفا با محتوای محدود محلی و قومی پرورش یابند. نگرانی زمانی جدی‌تر می‌شود که پیش‌تر، پیامدهای ضد ملی اجرای سیاست بومی‌گزینی قومی در دانشگاه‌ها و استخدام معلمان را در استان‌های پیرامونی و مرزی مشاهده کرده‌ایم و احتمال خطر ورود محتوای آموزشی متأثر از جریان‌های سیاسی و فرهنگی کشورهای همسایه افزایش می‌یابد. هدف آموزش عمومی باید پرورش شهروندانی آگاه، ایران‌دوست و مسئول در قبال تمامیت ارضی و آینده کشور باشد، نه محدودکردن افق فکری دانش‌آموزان به هویت‌های مصنوعی جعلی برساخته کشورهای همسایه. از سوی دیگر، هم‌زمانی تبلیغات رسانه‌ای برخی جریان‌های خارج از کشور با طرح‌های مشابه در داخل، ضرورت شفافیت و نظارت دقیق نهادهای متولی امنیت کشور بر سیاست‌های آموزشی را دوچندان می‌کند. نظام آموزشی کشور نباید به عرصه رقابت‌های قومی و سیاسی یا بستری برای تضعیف تعلق ملی و اتحاد و انسجام ملی ایرانی تبدیل شود.

۶- نگاهی به وضعیت زبان رسمی در کشورهای همسایه نیز اهمیت این موضوع را نشان می‌دهد. در جمهوری باکو، با وجود حضور زبان‌های محلی مانند تالشی، تاتی، لزگی و گرجی، زبان رسمی کشور آذری است. در ترکیه نیز با وجود رواج زبان‌های کردی، عربی، گرجی و دیگر زبان‌ها، ترکی زبان رسمی کشور محسوب می‌شود. در حالی که در غالب کشورهای جهان از کشورهای چند صد میلیون نفری چون آمریکا و چین و هند و کشورهای چند ده میلیون نفری چون فرانسه، با وجود تنوع زبان‌های محلی، بر نقش یک زبان مشترک در حفظ انسجام ملی و تمامیت ارضی تأکید دارند، در ایران نیز زبان ملی فارسی، در طول هزاران سال، افزون بر جایگاه رسمی، میراث تاریخی مشترک ملت ایران و زبان میانجی تیره‌های گوناگون این سرزمین بوده است و حتی قرن‌ها زبان ادبی و دیوانی امپراتوری عثمانی و شبه‌قاره هند هم بوده، بنابراین میراثی است کهن و گران‌بها که نباید با برداشت‌های قوم‌گرایانه تضعیف شود.

فرجام سخن

آنچه امروز در برخی استان‌های مرزی، به‌ویژه آذربایجان باید مورد توجه قرار گیرد، ضعف آموزش عمومی زبان فارسی و ضرورت تقویت آن است، نه جایگزین‌کردن آموزش فارسی با سیاست‌های محلی‌محور. چنین جایگزینی‌ای می‌تواند در درازمدت، توانایی نسل‌های آینده در استفاده از زبان مشترک ملی را کاهش دهد. نامه‌نگاری اخیر برخی مقام‌های فرهنگی و سیاسی جمهوری باکو با سفارت ایران درباره دخالت در امور داخلی ایران و فشار برای رسمیت‌بخشیدن به آموزش ترکی در آذربایجان ایران، در کنار تبلیغات رسانه‌ای این کشور، ضرورت بررسی دقیق امنیتی برای اهداف و پیامدهای چنین مطالباتی را افزایش داده است. هم‌زمانی این تحولات با طرح مباحث آموزش به زبان محلی در آذربایجان ایران و برخی نمادگرایی‌های سیاسی حساسیت موضوع را دوچندان می‌کند.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

فرصت دیپلماتیک یا خطر محاسباتی؟

شکست ترامپ و معمای تصمیم تهران

دانیال رنجبرمشکین*

پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا، اگرچه موقعیت سیاسی دونالد ترامپ را تضعیف کرده، اما لزوما به معنای کاهش فشار واشنگتن بر ایران نیست. مسئله اصلی برای تهران آن است که چگونه می‌توان از افزایش هزینه‌های سیاست تقابل با ایران در آمریکا بهره برد، بی‌آنکه گرفتار خوش‌بینی نسبت به تغییر موازنه حزبی در واشنگتن شد. انتخابات میان‌دوره‌ای سوم نوامبر ۲۰۲۶ آمریکا با پیروزی گسترده دموکرات‌ها و از دست رفتن اکثریت جمهوری‌خواهان در هر دو مجلس نمایندگان و سنا همراه شد. این نتیجه را نمی‌توان صرفا جابه‌جایی قدرت میان دو حزب دانست؛ زیرا بخشی از نارضایتی رأی‌دهندگان آمریکایی به پیامدهای اقتصادی و سیاسی جنگ با ایران بازمی‌گردد. با این حال، پرسش مهم‌تر برای تهران این نیست که ترامپ تا چه اندازه شکست خورده، بلکه آن است که این شکست چه تغییری در محاسبات راهبردی واشنگتن و آینده تقابل با جمهوری اسلامی ایران ایجاد خواهد کرد. هم‌زمانی اعلام نتایج انتخابات آمریکا با سیزدهم آبان، روز ملی مبارزه با استکبار جهانی، به این تحول، معنایی فراتر از یک رویداد انتخاباتی بخشیده است. در پیام آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای به مناسبت این روز، تجربه تاریخی روابط ایران و آمریکا در چارچوب تلاش واشنگتن برای تحمیل اراده خود بر ایران بازخوانی شد. در این پیام تأکید شده است که سیاست فشار و مداخله آمریکا نه‌تنها به تسلیم ایران منجر نشده، بلکه هزینه‌های سنگینی هم برای طرف مقابل ایجاد کرده است. از این منظر، شکست انتخاباتی جمهوری‌خواهان می‌تواند در گفتمان سیاسی ایران به عنوان نشانه‌ای از افزایش هزینه‌های داخلی سیاست تقابل با تهران تفسیر شود. حتی محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی نیز نتایج انتخابات را نشانه مخالفت مردم آمریکا با جنگ دانسته است. با وجود این، باید میان دو موضوع تمایز قائل شد: مخالفت بخشی از جامعه آمریکا با هزینه‌های جنگ، الزاما به معنای مخالفت آن با اصل سیاست فشار بر ایران نیست. همین تفاوت می‌تواند در ارزیابی رفتار آینده واشنگتن تعیین‌کننده باشد.

پیروزی دموکرات‌ها در هر دو مجلس، توانایی آنان را برای نظارت بر اقدامات نظامی، بررسی هزینه‌های جنگ و به چالش کشیدن تصمیمات دولت افزایش می‌دهد. با این حال، محدودیت‌های سیاسی جدید لزوما به معنای محدودیت فوری اختیارات اجرائی رئیس‌جمهور نیست.

نخست آنکه کنگره جدید از سوم ژانویه ۲۰۲۷ آغاز به کار خواهد کرد و تا آن زمان، ترکیب فعلی کنگره همچنان دارای اختیارات قانونی است. این فاصله زمانی می‌تواند برای ترامپ فرصتی باشد تا پیش از افزایش فشارهای پارلمانی، در پرونده ایران به نتیجه‌ای مشخص دست یابد. چنین نتیجه‌ای ممکن است در قالب توافق دیپلماتیک حاصل شود یا از مسیر تشدید فشار نظامی دنبال شود. دوم آنکه شکست انتخاباتی می‌تواند دو تأثیر متضاد بر رفتار ترامپ داشته باشد. از یک سو، افزایش نارضایتی عمومی از پیامدهای جنگ ممکن است انگیزه او را برای دستیابی به توافق و معرفی آن به‌عنوان یک پیروزی سیاسی افزایش دهد. از سوی دیگر، رئیس‌جمهوری که اعتبار سیاسی خود را تضعیف‌شده می‌بیند، ممکن است برای بازسازی تصویر اقتدار خود به اقدامات پرخطرتر روی آورد. بنابراین، ضعیف‌ترشدن موقعیت ترامپ الزاما به معنای افزایش تمایل او به عقب‌نشینی نیست. حتی می‌توان استدلال کرد که دوره انتقالی تا آغاز فعالیت کنگره جدید، از منظر احتمال تصمیمات شتاب‌زده و تشدید تنش، یکی از حساس‌ترین مقاطع روابط تهران و واشنگتن خواهد بود.

یکی از مهم‌ترین پیامدهای انتخابات، شکل‌گیری تناقضی تازه در چشم‌انداز مذاکرات احتمالی ایران و آمریکاست. ترامپ ممکن است بیش از گذشته به دستیابی به توافق نیاز داشته باشد، اما توانایی دولت او برای تضمین اجرای پایدار چنین توافقی با پرسش‌های بیشتری مواجه شود.

بخش قابل توجهی از تحریم‌های آمریکا علیه ایران بر قوانین مصوب کنگره استوار است. اگرچه رئیس‌جمهور در موارد متعددی اختیار تعلیق، صدور معافیت یا تعدیل اجرای تحریم‌ها را دارد، لغو دائمی برخی محدودیت‌های قانونی به فرایندهای پیچیده‌تری نیازمند است. بنابراین، حتی در صورت حصول تفاهم میان تهران و کاخ سفید، نقش کنگره در بررسی توافق و آینده رفع تحریم‌ها قابل چشم‌پوشی نخواهد بود.

از سوی دیگر، تصور اینکه دموکرات‌ها الزاما از هرگونه توافق با ایران حمایت خواهند کرد، با واقعیت سیاست داخلی آمریکا سازگار نیست. اختلاف دو حزب بر سر روش‌های مواجهه با ایران، به معنای نبود اشتراک نظر درباره موضوعاتی مانند برنامه هسته‌ای، توان موشکی و سیاست منطقه‌ای تهران نیست. تجربه استمرار بخش مهمی از ساختار تحریم‌ها در دولت‌های مختلف آمریکا نیز نشان می‌دهد که تغییر دولت یا اکثریت حزبی، به‌تنهایی تضمین کننده تغییر سیاست نیست.

در نتیجه، مهم‌ترین مسئله برای ایران نه صرفا امکان دستیابی به توافق، بلکه کیفیت و قابلیت اجرای آن خواهد بود. هرگونه تفاهم احتمالی باید بر تعهدات مشخص، اقدامات متقابل مرحله‌ای و سازوکارهای قابل راستی‌آزمایی استوار باشد. از منظر اقتصادی نیز رفع تحریم زمانی معنا پیدا می‌کند که آثار عملی آن در فروش نفت، مبادلات بانکی، نقل و انتقال منابع مالی و فعالیت‌های تجاری قابل مشاهده باشد. تحولات اخیر می‌تواند قدرت مانور دیپلماتیک ایران را افزایش دهد؛ زیرا دولت آمریکا اکنون با فشار بیشتری برای توضیح هزینه‌ها و دستاوردهای سیاست خود مواجه است. با این حال، اتکای بیش از اندازه به اختلافات داخلی آمریکا ممکن است به خطای محاسباتی منجر شود. اگر تهران تصور کند شکست جمهوری‌خواهان به طور خودکار به کاهش تهدید نظامی یا لغو تحریم‌ها منجر خواهد شد، احتمال دارد تحولات کوتاه‌مدت را بیش از اندازه تعیین‌کننده ارزیابی کند. در مقابل، بهره‌گیری از شرایط جدید مستلزم تفکیک میان فرصت‌های ناشی از ضعف سیاسی ترامپ و محدودیت‌های ساختاری سیاست آمریکا در قبال ایران است. در این چارچوب، پیام سیزدهم آبان رهبر انقلاب نیز واجد دو بعد مکمل است: تأکید بر ضرورت پرهیز از امید بستن به جابه‌جایی‌های حزبی در آمریکا و ضرورت تقویت ظرفیت‌های داخلی کشور. تأکید بر راهبرد «ایران هرچه قوی‌تر»، انسجام اجتماعی و توجه مسئولان به معیشت مردم نشان می‌دهد که بازدارندگی صرفا در حوزه نظامی تعریف نمی‌شود، بلکه پایداری اقتصادی و سرمایه اجتماعی نیز بخشی از آن است. این موضوع اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا طولانی‌شدن تقابل، صرف نظر از آثار آن بر سیاست داخلی آمریکا، برای اقتصاد ایران نیز هزینه‌زا خواهد بود. ازاین‌رو، حفظ توان بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی و استفاده از ظرفیت‌های دیپلماتیک، لزوما اهدافی متعارض نیستند. چالش اصلی در ایجاد توازن میان این مؤلفه‌هاست.

جمع‌بندی: نتایج انتخابات سوم نوامبر نشان داد که سیاست تقابل با ایران می‌تواند برای دولت آمریکا هزینه‌های داخلی قابل‌توجهی ایجاد کند. با این حال، این نتیجه را نباید با شکست کامل راهبرد واشنگتن یا پایان تهدیدات علیه تهران یکسان دانست.

برای جمهوری اسلامی ایران، فرصت اصلی نه در پیروزی یک حزب آمریکایی بر حزب دیگر، بلکه در افزایش حساسیت نظام سیاسی آمریکا نسبت به هزینه‌های ادامه تقابل نهفته است. تبدیل این وضعیت به دستاوردی پایدار نیازمند ارزیابی واقع‌بینانه از اختیارات ترامپ، محدودیت‌های کنگره جدید و چشم‌انداز اجرای تعهدات احتمالی واشنگتن است.

در نهایت، مهم‌ترین پرسش پس از انتخابات آمریکا این نیست که آیا ترامپ ضعیف‌تر شده است، بلکه آن است که آیا تهران می‌تواند از این ضعف سیاسی، بدون وابسته‌کردن محاسبات خود به تحولات داخلی آمریکا، برای کاهش تهدیدات و تأمین منافع ملی بهره ببرد؟

* **دکترای روابط بین‌الملل، مدرس ارشد در دپارتمان تئوری و تاریخ روابط بین‌الملل، دانشکده رودن**

اسکورت؛ یک قدم به جلو برای سینمای ژانر ایران



میثم مزلقانی

سینمای ایران سال‌هاست که در حصار محدودیت‌های ژانری گرفتار شده است. اگر نگاهی به تولیدات سینمایی چند دهه اخیر بیندازیم، با انبوهی از فیلم‌های اجتماعی، ملودرام‌های خانوادگی و آثار کمدی مواجه می‌شویم؛ اما سهم ژانرهایی مانند اکشن، وحشت، علمی - تخیلی و حتی تریلر در این میان بسیار ناچیز است. گویی سینمای ایران به‌تدریج به این باور رسیده که برای روایت قصه‌هایش باید به چند قالب محدود و امتحان‌پس‌داده بسنده کند. در چنین فضایی، فیلم «اسکورت» ساخته یوسف حاتمی‌کیا را می‌توان تجربه‌ای قابل‌توجه و یک قدم جدی در شکستن این چارچوب‌های محدود دانست. اهمیت «اسکورت» در این است که تلاش می‌کند دو قلمرو ظاهرا متفاوت را به یکدیگر پیوند بزند: از یک سو، قصه‌ای با ریشه‌های اجتماعی و عاطفی دارد و از سوی دیگر، در فرم و اجرای تکنیکی به سراغ مؤلفه‌هایی می‌رود که کمتر در سینمای ایران تجربه شده‌اند. فیلم نه از لایه‌های اجتماعی و ملودرام خود دست می‌کشد و نه برای روایت آنها به شیوه‌های متعارف و کم‌هزینه بسنده می‌کند. تعقیب‌وگریزهای پرتحرک، طراحی صحنه‌های اکشن و استفاده از ظرفیت حرکت و هیجان، به فیلم هویتی متفاوت می‌بخشد. این همان نقطه‌ای است که «اسکورت» را از بسیاری از آثار مشابه متمایز می‌کند؛ فیلمی که هم می‌خواهد قصه بگوید و هم می‌خواهد سینما را به معنای واقعی کلمه به حرکت درآورد. برای درک بهتر اهمیت این تجربه، می‌توان به فیلم «دوئل» (Duel) ساخته استیون اسپیلبرگ اشاره کرد؛ اثری که بخش عمده‌ای از قدرت سینمایی خود را از یک تعقیب‌وگریز جاده‌ای و رابطه پرتنش میان انسان و ماشین می‌گیرد. اسپیلبرگ در آن فیلم نشان می‌دهد که چگونه می‌توان از یک موقعیت به‌ظاهر ساده، تعلیقی نفس‌گیر و سینمایی خلق کرد. در «اسکورت» نیز جاده و خودرو صرفا ابزار جابه‌جایی شخصیت‌ها نیستند، بلکه به بخشی از جهان دراماتیک فیلم تبدیل می‌شوند. البته جنس روایت و فضای دو فیلم یکسان نیست، اما شباهت در استفاده از جاده به‌عنوان بستری برای خلق تعلیق و پیشبرد درام، قابل‌توجه است. از سوی دیگر، در طراحی و اجرای برخی لحظات پرتنش فیلم می‌توان ردپایی از سینمای تعقیب‌وگریز و خودرومحور را مشاهده کرد؛ فضایی که مخاطب را به یاد تجربه‌هایی چون «دث پروف» کوئنتین تارانتینو می‌اندازد. در چنین آثاری، خودرو از یک وسیله نقلیه فراتر می‌رود و به عنصری برای خلق هیجان، خطر و حتی شخصیت‌پردازی تبدیل می‌شود. اهمیت این مقایسه در شباهت کامل دو اثر نیست، بلکه در جسارت ورود به قلمرویی است که سینمای ایران کمتر به آن پرداخته است. اما امتیاز مهم «اسکورت» فقط در جنبه‌های فنی و اکشن آن خلاصه نمی‌شود. حاتمی‌کیا تلاش کرده است این هیجان را در دل یک مسئله اجتماعی قرار دهد. موضوع خودروهای شوتی، یکی از واقعیت‌های کمتر دیده‌شده جامعه امروز ایران است؛ خودروهایی که برای گروهی از افراد، به‌ویژه در مناطق محروم و مرزی، وسیله‌ای برای امرار معاش و تأمین زندگی هستند، اما فعالیتشان در سوی دیگر قانون قرار می‌گیرد. اینجا با یک تناقض اجتماعی مواجهیم: شغلی که برای عده‌ای از سر ناچاری و نیاز اقتصادی شکل گرفته، در عین حال در چارچوب قانون، فعالیتی غیرمجاز محسوب می‌شود. همین تناقض، ظرفیت دراماتیک قابل‌توجهی دارد و فیلم با قراردادن شخصیت‌هایش در چنین موقعیتی، تلاش می‌کند از یک ماجرای اکشن فراتر برود و به لایه‌های انسانی و اجتماعی آن نزدیک شود. این انتخاب اهمیت زیادی دارد؛ چراکه در بسیاری از نمونه‌های سینمای اکشن ایران، هیجان و تعقیب‌وگریز بیشتر در خدمت روایت‌های سیاسی و امنیتی قرار داشته است. در دهه‌های ۶۰ و ۷۰، بخشی از سینمای اکشن کشور با حضور بازیگرانی مانند جمشید هاشم‌پور شکل گرفت که عمدتا بر مبارزه با گروهک‌های ضد انقلاب، تعقیب مجرمان و روایت‌های مرتبط با فضای سیاسی آن دوران متمرکز بود. این آثار در زمان خود مخاطبان قابل‌توجهی داشتند، اما سینمای اکشن ایران کمتر توانست از آن الگوها عبور کند و به قلمروهای متنوع‌تری وارد شود.

تفاوت رویکرد حاتمی‌کیا در همین نقطه آشکار می‌شود. او اکشن را نه در خدمت یک روایت صرفا سیاسی و امنیتی، بلکه در دل قصه‌ای عاطفی و اجتماعی قرار می‌دهد. در واقع، تعقیب‌وگریزها قرار نیست صرفا مخاطب را سرگرم کنند؛ آنها بخشی از موقعیت دراماتیک شخصیت‌ها هستند و به پیشبرد قصه کمک می‌کنند. این پیوند میان هیجان، عشق، معیشت و انتخاب‌های دشوار انسانی، امکان تازه‌ای برای سینمای ایران ایجاد می‌کند. البته نمی‌توان از یک فیلم انتظار داشت که به‌تنهایی تمام ضعف‌های ساختاری سینمای ژانر ایران را برطرف کند. «اسکورت» نیز می‌تواند در بخش‌هایی جای کار بیشتری داشته باشد و تجربه‌های بعدی کارگردان می‌توانند از نظر فیلم‌نامه، شخصیت‌پردازی و انسجام روایی به پختگی بیشتری برسند. اما ارزش یک تجربه تازه را نباید صرفا با معیار بی‌نقص‌بودن سنجید. گاهی اهمیت یک فیلم در این است که مسیری را باز می‌کند که پیش از آن کمتر کسی با این جسارت به سراغش رفته است.

یوسف حاتمی‌کیا با «اسکورت» نشان داده که به ظرفیت‌های کمتر تجربه‌شده سینمای ایران علاقه‌مند است و می‌خواهد از محدوده‌های آشنای روایت فراتر برود. برای فیلمی که دومین تجربه بلند سینمایی یک کارگردان است، این میزان از جسارت در انتخاب موضوع و تجربه‌گرایی در اجرا، امیدوارکننده است. حالا باید منتظر ماند و دید او در فیلم بعدی تا چه اندازه می‌تواند این مسیر را ادامه دهد و به بلوغ بیشتری برساند. آنچه مسلم است، سینمای ایران به فیلم‌هایی از این دست نیاز دارد؛ آثاری که هم قصه داشته باشند، هم مخاطب را درگیر کنند و هم از تجربه‌کردن نترسند. «اسکورت» شاید آغاز یک مسیر باشد؛ مسیری که امیدواریم در ادامه، به شکل‌گیری سینمای ژانر متنوع‌تر و جسورانه‌تری در ایران منتهی شود.

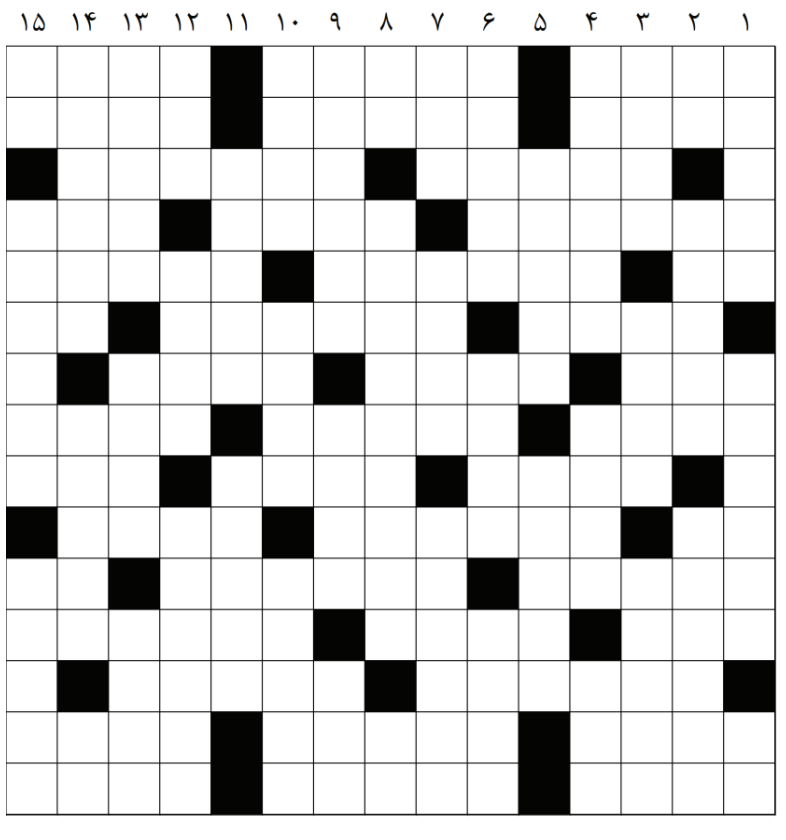
جدول ۵۴۵۶ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- زمینی مثلثی‌شکل که از آبرفت رودخانه پدید می‌آید- پیشرفت- واحد شمارش لامپ ۲- جوانی- مایعی برای ضدعفونی زخم- پاک و پاکیزه ۳- در دوره ساسانیان به دستان می‌گفتند- مهم و باارزش ۴- از درجات قدیم ارتش ایران- الاغ- حکمت ارسطو ۵- عامل انتقال صفات ارثی- غلبه و چیرگی- عمامه ۶- قرض- داستانی به قلم اورهان پاموک، نویسنده اهل ترکیه- نفوذ به یک سیستم رایانه‌ای ۷- نیرومند- جایگزین گیاهی گوشت- گروه، دسته ۸- رشوه‌دادن- دندان‌های نیش- شیوه انجام کار ۹- لوله بلند برای کشیدن اتومبیل ازکارافتاده- زن گندمگون- علف خشک ۱۰- ناپایدار- رمانی عاشقانه نوشته فهیمه رحیمی- ایوان ۱۱- زمزمه‌کننده- آروغ- شبکه جهانی اطلاعات که از طریق اینترنت قابل دستیابی است ۱۲- میوه‌ای تابستانی- تخم کتان- سزاوار ۱۳- ارزشی که یک فرد برای خود قائل است- نویسنده کتاب معروف مسخ ۱۴- از اوراق بهادار- شماره‌ها- شرط‌بندی ۱۵- اسب سیاه- جنگ‌افزاری شبیه شمشیر- مقام و مرتبه

عمودی:

۱- تخلیه‌شدن ذخیره بار الکتریکی باتری- از ظروف آشپزخانه- لنگه بار ۲- برگزیده- حشره‌ای مفید با زندگی اجتماعی- کشتن با نیت قبلی ۳- نرده- شب گذشته- نام اصلی سلمان فارسی ۴- بیماری افزایش فشار مایع درون کره چشم- ژانری در سینما- نیم‌سال تحصیلی ۵- بنیان‌نهادن- ساخته‌شده از نقره ۶- در بند کردن- پدر- کرانه‌های آسمان ۷- گوسفند جنگی- سمت راست- سردار سپاه ابن زیاد در کربلا ۸- داخل- شیرینی سوغات اردبیل- بله روسی ۹- قوی‌هیکل و زورمند- انتظار روی‌دادن امری خوشایند- نیاز اول فارغ‌التحصیلان دانشگاهی ۱۰- درس نگارشی- پیشوا- باز ۱۱- فولکلوریک- هدردادن ۱۲- بی‌شرم و حیا- سالاد معروف و پرطرفدار ایتالیایی- رهیافت ۱۳- عازم‌شدن- پرنده‌ای از خانواده گنجشک- بیدار ۱۴- نمایشنامه تراژیک ویلیام شکسپیر- عالم ماده- دندانه سوهان ۱۵- تکرار حرفی- گلی زینتی- ایراد



حل سودوکو ۴۴۵۱

۳	۴	۷	۶	۱	۲	۹	۵	۸
۹	۱	۸	۷	۳	۵	۴	۶	۲
۲	۶	۵	۸	۹	۴	۳	۱	۷
۷	۲	۴	۵	۶	۹	۱	۸	۳
۵	۸	۹	۱	۲	۳	۷	۴	۶
۱	۳	۶	۴	۷	۸	۲	۹	۵
۶	۹	۳	۲	۸	۱	۵	۷	۴
۸	۵	۱	۳	۴	۷	۶	۲	۹
۴	۷	۲	۹	۵	۶	۸	۳	۱

۹	۷	۵	۴	۲	۸	۶	۳	۱
۱	۸	۴	۶	۹	۳	۲	۷	۵
۲	۳	۶	۵	۱	۷	۸	۴	۹
۶	۴	۱	۷	۵	۲	۳	۹	۸
۸	۹	۷	۱	۳	۶	۵	۲	۴
۵	۲	۳	۸	۴	۹	۱	۶	۷
۷	۵	۸	۳	۶	۴	۹	۱	۲
۳	۱	۲	۹	۷	۵	۴	۸	۶
۴	۶	۹	۲	۸	۱	۷	۵	۳

حل جدول ۵۴۵۵

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ا	م	ت	■	ل	ا	ک	پ	ش	ت	■	م	ب	د	ا
۲	ت	ه	ا	و	ن	■	ا	و	ر	ت	و	ن	■	غ	ع
۳	ق	ت	ی	ل	■	غ	م	د	ی	■	ا	ش	خ	ا	ص
۴	ا	■	ت	و	ب	ا	■	ع	ن	و	ا	ن	■	ا	■
۵	■	ب	ل	ا	ی	ا	■	ا	ت	ش	ی	■	ج	ن	پ
۶	ر	ب	ا	■	ا	د	ا	ت	■	د	ل	ا	ر	ا	■
۷	ت	ا	ی	م	ر	■	خ	ش	ک	ن	ا	ب	■	د	ا
۸	ب	ل	ی	ت	■	و	ر	س	ا	ی	■	ک	ا	ر	د
۹	ه	ا	■	م	ی	ل	ی	و	ن	■	ه	ز	ن	ی	ه
۱۰	■	ن	ی	م	ک	ت	■	ز	ی	ب	ا	■	م	ا	م
۱۱	غ	س	ل	■	ر	ا	ل	ی	■	ل	ب	خ	ن	د	■
۱۲	ز	■	د	ر	ا	ژ	ه	■	م	ی	ل	ی	■	ر	س
۱۳	ا	و	ا	ک	س	■	ی	ه	و	ه	■	ا	م	پ	ر
۱۴	ل	ج	■	ا	ت	ش	د	ا	ن	■	م	و	ل	و	د
۱۵	ه	ب	و	ب	■	ه	ر	و	ز	ی	■	ج	ر	ی	■

سودوکو سخت ۴۴۵۲

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

						۷		
۹		۴						
۳	۲				۴			
				۲		۱		
		۲	۵			۶	۷	
۱				۶				۲
	۷	۳			۹	۸		
		۶		۳				
			۷				۸	۶
		۸				۲		۳

سودوکو ساده ۴۴۵۲

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

					۲		۶	
۷					۳		۴	
	۱	۲		۶	۴		۳	
	۴				۷	۸		
۱			۶	۸	۹			۳
		۹	۵				۷	
	۵		۹			۳	۲	
	۶		۲					۵
	۷		۴					